

بسم الله الرحمن الرحيم

شنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۴۰۲، مرکز فقهی ائمه اطهار (سلام الله علیهم)، نشست ۱۴ فقه سیاسی، فتوای معیار،
گزینه‌های مطرح و قابل بحث

بحث فتوای معیار در نظام‌هایی که حاکمیت اسلامی دارد، مطرح می‌گردد؛ قضات در دادگاه‌ها و شورای نگهبان و صداوسیما و... فتوای چه کسی را باید معیار عملکردشان قرار دهند؟ این بحث در گذشته به صورت ضعیفی ذیل مسئله اختلاف فتوای قاضی (حاکم) با محکوم له یا علیه (چه از اجتهاد چه از تقلید)، مطرح بوده است. جلسه قبل پیش فرض‌های بحث بیان شد.

پیش فرض‌ها

خروج شیوه‌های اجرایی از بحث فتوای معیار

محل بحث فتوای معیار در ساحت شرعی و فقهی است نه شیوه‌های اجرایی^۱، ممکن است فتوا واحد باشد در حالی که نظرات در شیوه اجرا مختلف باشد؛ به طور مثال مسئله نشان دادن آلات موسیقی در صداوسیما. در نظر برخی اگر موسیقی حلال باشد، نشان دادن آلات موسیقی هم جایز است؛ لکن برخی جنبه‌های اجتماعی (قبح و هنجارشکنی) را در شیوه اجرایی لحاظ می‌کنند. در شیوه‌های اجرایی کارشناسان باید ابراز نظر کنند.

خروج مسلمات شرعی از بحث فتوای معیار

فتوای معیار در جایگاه اختلاف فتاوا مطرح می‌گردد، نظیر ارت زوجه که اختلافی است.

احتمالات فقه معیار

این دو احتمال، به احتمالات مطرح شده در جلسه گذشته اضافه شود: احوط اقوال و اقرب فتاوا به واقع.

^۱ اصطلاح استاد علیدوست در کتاب فقه و مصلحت.

تأسیس اصل

آیا می‌توانیم اصلی عقلی یا عقلایی تأسیس کنیم؟ خاصیت تأسیس آن است که اگر در جایی به نتیجه نرسیدیم به اصل رجوع می‌کنیم.

اصل معیار بودن فتوای اقرب به واقع

اگر اقرب فتاوا به واقع را اصل قرار دهیم، محلی برای طرح سایر نظرات نظیر شهرت باز می‌گردد. یعنی در فتوای معیار اصالت با اقریبیت الی الواقع است مگر مانعی باشد.

سؤال اصلی این است که ملاک تشخیص اقرب به واقع کدام است؟ کشف از طرق معمول نظیر شهرت و سازگاری با سایر احکام [باید صورت بگیرد].

در بحث تقلید برخی گفته‌اند فتوای اعلم چون اقرب به واقع است، تعیین دارد. آقای خوبی اشکال صغروی می‌کنند: اینکه نظر اعلم، اقرب به واقع باشد معلوم نیست، بلکه از قدرت خدا غیراعلم می‌تواند فتوای اقرب به واقع دهد! مخصوصاً اگر [رأی غیراعلم] مطابق احتیاط باشد یا با فتوای اعلم گذشته تطابق داشته باشد! بعد اشکال کبروی می‌کنند: چرا نظر اقرب به واقع معیار باشد؟ ما در پاسخ به آقای خوبی - فارغ از اشکال صغروی - می‌گوییم: طبق نظر خودتان، برای فتوا طریقت - نه موضوعیت - قائل هستید، در فرض وجود فتوای اعلم و غیراعلم، اینکه فتوای اعلم، به طور معمول اقرب به واقع باشد جای چانه‌زنی دارد؟

اگر اصل را اقرب فتاوا به واقع قرار دهیم مگر مانعی بیاید، فرصتی برای طرح سایر نظرات [مفید اطمینان به کشف از واقع] نظیر شهرت باز می‌گردد و سایر احتمالات را باید به این احتمال اقرب به واقع بازگردانیم؛ مثلاً اگر می‌گوییم رأی مشهور یا شورای فقهی [معیار است در مسئله‌ای]، دلیلمان کشف از واقع باشد.

یک سؤال که باید تحقیق شود این است که آیا امارات، مثل بینه، اصالت دارد یا راه کشف از واقع است؟